



آیت الله صانعی

عضو فقهای شورای نگهبان عضو جامعه مدرسین

ویژگیهای قوانین اسلام

* قسمت چهارم

ویژگی و خصوصیت و امتیاز سوم قوانین اسلام، مطابق با فطرت و خلقت و سرشت انسان بودن است. یعنی انسان در بعد انسانیت و در جهان آدمیت خواستار همان است که اسلام آورده. از امور اعتقادی وزیر- بنائی گرفته تا برنامه‌های عقلی و فرعی.

ثَابِتُمْ وَجْهَكُمْ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ
آن یَا نَبِیُّ یَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ الْکَلْبِ یَوْمَئِذٍ
یُحَدِّثُونَ (سوره روم آیه ۲۳)

پس روی به دین استوار اسلام و خداپرستی اور پیش از آن که روزی نیاید که هیچ کس نتواند از امر خدا آن را برگرداند. در آن روز خلائق فرقه فرقه شوند.

این انسان وقتی به پدیده‌های جهان مگردست و به ریزه کاری که در آن بکار برده شده دقت کرد، خدا و خالق و صانع را باور می‌نماید و جارمای جز باور ندارد. چگونه باور نکند هنگامی که می‌باید یک مورچه کوچک قدرت برداشتن بیست برابر تا سمیت برابر وزن خود را دارد. در حالی که انسانهای برنده در مسابقات ورنه برداری، فوش سه برابر وزن خود را میتوانند بردارند.

الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی. (سوره طه آیه ۵)

خداوندی که همه چیز را آفرید و اسرار زندگی و علم استفاده از آن ابزار را به آنها

داد. و با می‌باید نظم و دقت و اندازه‌گیری در کل جهان خلقت را حتی علاقه پدر و مادر به فرزندان که در حیوانات و انسان یکنواخت نمی‌باشد بلکه بر پایه احتیاج است.

ذَرْنِ مَنْ سَبَّهِهُ اللَّهُ عَذَابًا خَرَّائِنًا وَ
مَنْزِلَةً إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ

(سوره حجر آیه ۲۱)

خزاش و اماس خلقت همه چیز بزدمان است و مانندون اندازه‌گیری و نظمی دقیق نمی‌فرستیم و خلق نمی‌نمائیم.

الذی احسن کل شیء خلقه

(سوره سجده آیه ۷۸)

آن خدائی که همه چیز را نیکو و حسن آفرید

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ کَلِمَاتٍ یَّاتِبُهَا

خداها از تو درخواست می‌کنم به کاملترین کلمات و مخلوقات خدا را همه کلمات و آفریده هایت کامل است و هیچ ناقص نمی‌باشم. خداوند تو را به همه مخلوقات میخوانم و میلوها یافته‌های مشابه.

آری این ایمانها و باورها از مسائلی نمیباشد که نیاز به معلم و آموزگار و یاددهنده داشته باشد. حتی نیاز به تعلیم پدر و مادر هم ندارد چه برسد به تعلیم دیگران. این در مسأله ایمان به مبدأ، و همانند او است مسأله معاد. چون بشر حسب فطرت طرفدار و مایل رسیدن مجرم به مجازات و کبیر عمل، و محسن و نیکوکار به ثواب و پاداش کارش می‌باشد. و

میداند که در این عالم افراد به جزا عمل از خیر و شر نمی‌رسند. خیلی روشن است بالاترین مجازات در دنیا اعدام است، آیا میتوان گفت: آن محاربی که علیه مسلمانان و نظام جمهوری اسلامی بیا خاسته و چندین نفر انسانهای بی‌گناه و اطفال معصوم را با انفجار سوزانده، با یک مرتبه کشته شدن به کیفر عملش رسیده؟ آیا آنان که در خیانت به خون شهدا، و خیانت به همه ملت و به اسلام و قرآن مانند گروهکهای محارب از منافقین گرفته تا بهکاری و اقلیت مرتدش شریک بوده میشود گفت با زندان تا آخر عمر و با کشته شدن صد مرتبه بغرض محال به سزای عملشان رسیده‌اند؟ آیا میتوان گفت طراحان و پیاده کنندگان انفجار مرکز حزب و شهادت آیه الله بهشتی و انفجار نخست وزیری و شهادت رجائی و باهنر در دنیا، جزای کار بسد و کبیرشان را دیده‌اند یا می‌بینند؟

آیا خدمات شهدا، در این عالم قابل جبران است؟ آیا زحمات امام امت را میتوان عوض داد؟ آیا این همه سرمایه‌گذاری ملت مسلمان ایران، آیا این همه فداکاریهای نیروهای رزمنده در جبهه‌های حق علیه ماطل در جنگ اسلام علیه کفر یعنی عراق و الحادی آمریکا، شیطان بزرگ در این جهان و این عالم دنیا با پست بودنش قابل است که جبران شود؟ پاسخ همه: سوا لها منفی است. اینجا است که باید گفت نیاز به آخرت و بودنش جز



فطریات است .

و همانند این دو اصل است بقیه اصول اعتقادی . این در اعتقادات و اصول عقاید و اما در فروع و برنامه‌های عملی برای روشن شدن مطلب باید به یک اصل اساسی توجه نمود ، و آن اینکه اسلام هیچگاه با خواسته‌ها و امیال و غرائز و احساسات و عواطف انسانی و بشری به مبارزه برخاسته ، و چنین هدفی را دنبال نکرده ، بلکه آن چه را تعقیب نموده کنترل نمودن آنها و در مسیر صحیح قرار دادن است .

و كُنْتُمْ كَلِمَةً رَبُّكَ صِدْقًا وَ عَمَدًا
(سوره انفال آیه ۱۱۵)

قوانین خداوند بر پایه راستی و عدل تمام شده است . عدل در قانون کنترل کردن امیال است نه طرد نمودن چون آن ظلم است
وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ .

(سوره بقره آیه ۱۴۳)

ما شما ملت مسلمان و امت اسلامی را امتی حسد وسط قرار دادیم تا الگوها و شاهد ها برای دیگران باشید ، پس زیاده روی که افراط باشد و نقیص که تفریط باشد در اسلام وجود ندارد . و بدیهی است نادیده گرفتن امیال و واپس زدن آنها : تفریط ، و آزاد گذاشتن : افراط ، و این الگو و شاهد بودن مسلمانان بهمین است که شهادت میدهند به بظلمان مرام آنان که مانند بیهود تمام توجهشان را به

مادیات و خواسته‌ها صرف مینموده و مرام آنان که همه هست را به ریاضت و صرف نظر نمودن از بدن و جهات مادی مصروف داشتند ، و این نمیشود جز به محدودیت خواسته‌های بشر . و این مطلب و اصل را میتوان از طرفی اثبات کرد :

۱- از راه عدل خداوند و حکمت او بدین جهت که چون هواها و هوسها و آرزوها و آرزوها ، همه و همه آفریده شده ، او است که خالق همه چیز است .
خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ
(سوره فرقان آیه ۲)

خداوند همه چیز را آفرید ، و آورنده قانون و قانونگذار است . یعنی خلق (آفریدن) و شرع (قانون گذاری نمودن) از مختصات ذات باری است .

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ الْخَلْقَ
(سوره انعام آیه ۵۷)

قانونگذاری حق خاص خداوند است و جدا کننده و تمیز دهنده حق از باطل است و از بهترین جداکنندگان است . و هنگامی که هر دو در اختیارش می‌باشد ، آفریدن چیزهایی که بنا است بشر از جهت قانونگذاری آنها را کنار بزند و دور نماید و به آنزوا بکشاند جز لغو چیز دیگری نمی‌تواند باشد ، و این غیر از آن چیزی است که تحریم شده و فوائدی هم دارد منتهی کم و ناقص ، و غیر از آن جایست که قانونگذار نادان باشد یا خلقت و آفرینش

در اختیارش نباشد ، چنین خلقت خلاف عدل و حکمت است .

۲- از تعبیرات قرآن در باره خلقت انسان بالخصوص چون می‌بینیم در یک مورد برای خلقتش به خود آفرین می‌گوید :
فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
(سوره مؤمنون آیه ۱۴)

آفرین بر خدائی که بهترین خلق کننده است . در حالیکه در قرآن این تعبیر در مقابل مسائل خاصی که از اهمیتی فوق العاده برخوردارند دیده میشود مانند فرو فرستادن قرآن که جداکننده حق از باطل است ، و راهی است برای اینکه رسول الله صلی الله علیه و اله هشدار دهنده و انداز کننده باشد که اگر نبود او هم مندر عالمیان نمیشد .

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
(سوره فرقان آیه ۱)

آفرین بر آنکه فرقان را فرستاد بر بنده‌اش تا برای همه جهانیان هشدار دهنده باشد و اعلام خطر کننده ، و با مانند مسأله حکومت او بر همه چیز .

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلِيُّ كَلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (سوره ملک آیه ۱)

آفرین خدائی را که حکومت در اختیارش و بدستش و بر همه چیز توانائی و قدرت دارد ، و مسأله صاحب و مربی بودن نسبت به همه موجودات .



فطرت و طبیعت مادری خود، بدون هیچ موهنه و ناراحتی فرزند خود را شیر می‌دهد، وقتی برای اینکه کسی غیر از خودش به فرزندش شیر ندهد گاهی در موقع جدائی از شوهر به دادگاهها مراجعه می‌کند و با حکم دادگاه فرزند خود را باز پس می‌گیرد، شاید نکته اصلی چراها این باشد که به عقیده خیلی از دانشمندان، پستان مادر علاوه بر اینکه بهترین وسیله برای تغذیه فرزند است، منتقل کننده خیلی از حالات و روحيات نیز می‌باشد. بر این اساس اگر در موقع شیر دادن فرزند، مادر ناراحت باشد و از روی اکراه شیر بدهد، چه بسا در روحيه فرزند آثار سوئی داشته باشد. البته در مقالات آینده، بطور مبسوط در این مورد بحث خواهیم کرد.

استعمال کلمه "الوالدات" شعار به علت شیر دادن مادر دارد، چون او زاینده فرزند است، و او است که به حکم عواطف مادری و عشقی زاید الوصف به فرزندش، خودش او را شیر می‌دهد. ولی با اینکه مادر است و عاطفه دارد، هیچگونه اکراه و اجباری بر مادر روا نیست. اینجا است که قرآن کریم اراده و اختیار مادر را طرح کرده است و می‌گوید: شیر دادن حقی است برای مادر اگر بخواهد تا مادا از این رهگذر اجحافی به مادر شود اثر سوئی در روحيه اش ایجاد نماید.

(۱) مثابه این مطلب را از حضرت امام خمینی نقل کرده‌اند که زیارت جامعه کبیره اگر احیانا از حیث سبب خدشای داشته باشد ولی از جهت من بقدری عالی است که غیر معصوم قدرت انسان آن را ندارد.

۲- البته این از شیوه‌های بدیعی است که مرحوم علامه طباطبائی در "المیزان" از آن استفاده کرده و در مقدمه تفسیر می‌گوید: "کیف یكون القرآن تبياناً لكل شيء" و لایکون تبياناً لنفسه

چطور ممکن است قرآن روشنگر هر چیزی باشد ولی خودش را تبیین و تفسیر نکند.



دنیالوویژگیهای قوانین اسلام

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . (سوره غافر آیه ۶۴)

آن است خدای شما که مری و صاحب همه است، پس آفرین بر خدائی که صاحب و اداره کننده همه جهانیان است.

با توجه به اهمیت موارد فوق، اهمیت خلقت انسان در رابطه با این جمله معلوم میشود. و در جای دیگر میبینیم چنین میگوید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

(سوره سن آیه ۵)

هر آینه بتحقیق ما انسان را در نیکوترین قوام و ساختمان آفریدیم، با ما نیکوترین صورت:

و صُورَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ (سوره غافر آیه ۶۴)

خداوند شما را تصویر نمود و صورت بخشید. پس به نیکوترین صورتهای شما را آورد. با این تعبیرات چگونه میتوان باور کرد اعمال و غرائز بکه در او به کار رفته، نباید از جهت قانون و شرع مورد استفاده قرار گیرد این چگونه خلقت نیکو است و بهترین تقویم و نیکوترین صورت، و چه جای آفرین گفتن؟ اینها و همانندش گویای مطلب است.

۲- نظر به آیاتی که در رابطه با آنهاست مثل علاقه به مال و پول و زندگی که قرآن از او تعبیر به خیر نموده و انسان را سخت علاقمند به او قرار داده:

إِنَّ تَرْكَهُ خَيْرٌ أَلْوَيْتَهُ لِيُؤْتِي دِينَ وَالْأَقْرَبِينَ . (سوره بقره آیه ۱۸۰)

اگر خبری باقی گذاشت وصیت نماید برای پدر و مادر و نزدیکان، خیر به قرینه وصیت و به تفسیر مفسرین مال است.

وَرَأَتْهُ لِحَبِّ الْخَبِيرِ لَسَدِيئًا (سوره عادیات آیه ۸)

و او سخت علاقمند به ثروت و اموال است و با اینکه علاقه به فرزند و زن و همسر و طلا و نقره و مرکبهای عالی و چهارپایان و دامها

و کشتها و زراعتها و مراکز سبز و مزروعی را جز، زینت های بشر معرفی کرده است، یعنی چیزی که انسان به او دلخوش است و از آن لذت می‌برد:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ السَّهْوَاتِ مِنَ الْبَسَاءِ وَالْبَتِينِ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُعَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْتِ .

(سوره آل عمران آیه ۱۴)

حب شهوات نفسانی که عبارت از (میل-بهره) زینها و فرزندان و همانهای زر و سیم و اسبهای نشاندان نیکو و چهارپایان و مزارع و املاک، برای مردم آرایش داده شده است. و با اینکه در سوره نحل، خلقت همه چیز را به خاطر استفاده و انتفاع بشر بیان میکند:

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ وَ تَحْمِلُ أَوْقَالَكُمْ وَلِي تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَىٰ آيَاتِنَا إِنَّ رَبَّكُمْ لَكَرِيمٌ وَ رَحِيمٌ ، وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لِيَتَرَكِبُوا وَ زِينَةً .

چهار پایان را برای انتفاع شما (نوع بشر) خلقت کرد تا از خود بیوی و بنم آنها دفع سردی و گرمی کرده و از شیر و گوشت آنها بخورید، و برای شما است در آنها جمالی در هنگامی که می‌آورند از چراگاه و هنگامی که به چراگاه می‌روند، و بارهای سنگین شما را که جز به مشقت زیاد نتوانید برد از شهری به شهر دیگر برند که خدای تعالی در باره شما رؤوف و مهربان است و اسب و شتر و حمار را برای سواری و تحمل سحر شما گردانید و بدیهی است استفاده از آنچه در آیات آمده نمیشود مگر با کار گرفتن غرائز و امیال و خواسته‌های انسانی. ادامه دارد